



نشریه علمی علم و تمدن در اسلام

سال پنجم / شماره نوزدهم / بهار ۱۴۰۳

## بررسی جایگاه اجتماعی زنان درباری در نگاره‌های تیموری

لیلا محمدی<sup>۱</sup>

(۱۳۶-۱۵۸)

### چکیده

با استقرار حکومت تیموری در فلات ایران و رویکرد تیموریان به نقش زنان درباری در عرصه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، جایگاه این زنان دستخوش تحول و دگرگونی گردید که این تاثیرات و حضور خاتونان درباری را می‌توان در نگاره‌های مصور شده این دوره مشاهده نمود. نگارگر با ترسیم چهره خاتونان در پوشش و لایه‌های متنوع سعی در نشان دادن موقعیت و جایگاه اجتماعی آنان در این عصر دارد. هدف مقاله حاضر شناخت جایگاه اجتماعی زنان درباری در دوره تیموری در نگاره‌ها بر روی دیوارهای کاخ‌ها و کتب مصور شده است. این پژوهش با گردآوری مطالب کتابخانه‌ای به روش توصیفی و تحلیلی و استخراج اطلاعات از نگاره‌های این دوره، جایگاه اجتماعی و شاخصه‌های پوششی و صحنه‌هایی از وقایع زندگی زنان خاندان تیموری را ترسیم کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد نگارگری ایران در دوره تیموری به عنوان یک هنر مطرح بوده و یکی از منابع تاثیرگذار در تاریخ نگاری می‌باشد و ضمن آنکه منعکس‌کننده روح هنری ایرانی بود با ثبت و ضبط زندگی زنان خاندان تیموری به تاثیرگذاری و تاثیرپذیری آنان از سیاست و حکمرانی تیموریان و معرفی جایگاه اجتماعی و آرایه تصویری از پوشش و برخی رسومات درباری، صحنه‌هایی از وقایع زندگی زنان خاندان تیموری را به نمایش گذاشت.

**واژه‌های کلیدی:** نگارگری، تیموریان، زنان، اجتماع، فرهنگ، سیاست.

۱. استادیار گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر، زنجان، ایران.

## Investigating the social status of court women in Timurid period paintings

Leila Mohammadi<sup>1</sup>

### Abstract

With the establishment of the Timurid government in the plateau of Iran and the approach of the Timurids to the role of court women in the political, cultural and social arenas, the position of these women underwent a transformation and these effects and the presence of court women can be seen in the paintings of this period. By drawing the faces of the ladies, he tries to show their social status in this age. The purpose of this article is to know the social status of court women in the Timurid period in the paintings on the walls of palaces and illustrated books. This research by collecting library materials in a descriptive and analytical method and extracting information from the paintings of this period, the social status and characteristics of He has drawn a cover and scenes from the life events of the women of the Timurid dynasty. The findings of the research show that painting in Iran during the Timurid period was prominent as an art and is one of the influential sources in historiography, and while it reflected the Iranian artistic spirit by recording the lives of the women of the Timurid dynasty, they were influential and influenced by politics. And the rule of Timurids and the introduction of social status and presenting an image of the dress and some court rituals, showed scenes of the events of the lives of the women of the Timurid dynasty.

**Keywords:** Painting, Timurians, women, society, culture, politics.

---

1. Assistant Professor, Department of History, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Abhar Branch, Zanjan, Iran. Mohammadi\_52\_history@yahoo.com

## مقدمه

دوره تیموری یکی از درخشان‌ترین ادوار تاریخی برای زنان درباری در عرصه اجتماع، سیاست، فرهنگ و اقتصاد می‌باشد و فعالیت زنان در تمامی شئون اجتماعی نشان دهنده قدرت و نفوذ و تغییر نگرش جامعه به این جایگاه اجتماعی را دارد. هنر نگارگری که تحت تاثیر رویکرد ویژه حاکمان و رونق فضای فرهنگی به اوج شکوفایی رسید نه تنها تقلید هنری و سبک های نقاشی چین را که از عصر مغول وارد ایران شده بود، مورد جذب و اقتباس قرار داد، بلکه در مسیر تکاملی خود سرانجام استقلالی را نمایان ساخت که منعکس کننده روح هنری ایرانیان بود (مشکوتی، ۱۳۴۳: ۳۸۶). به همین دلیل، عصر تیموری را «دوره طلایی در هنر نقاشی ایران» دانسته اند (پرایس، ۱۳۵۳: ۱۲۴) آثار نقاشی و مینیاتوری موجود از دوره تیموری در کتابهای مصوری است که با نبوغ سرشار هنرمندان این عصر تهیه شده است. یکی از ویژگیهای عام نقاشی های عصر تیموری این است که آثار نقاشان آن در مقیاسی کوچک و بارنگهای مناسب و لطیف و خوش منظر طراحی شده است (آرام، ۱۳۳۸: ۶). موضوعات مورد علاقه نقاشان تیموری به تصویر کشیدن داستانهای شاهنامه، بوستان، گلستان و آثار نظامی مبتنی بر دو مکتب هرات و مکتب شیراز بود. زیرا شیراز و هرات مهمترین مراکز نقاشی محسوب می شدند. هر چند نقاشانی هم بودند که در سمرقند فعالیت داشته و مرکزیت و اهمیت خود را بعد از مرگ تیمور همچنان حفظ کردند (دیماند، ۱۳۳۶: ۵۴-۵۳).

از این رو، تصاویر حک شده بر روی دیوار کاخهای سمرقند و کتب مصور شده در عصر تیموری بهترین منبع برای شناسایی جایگاه و طبقه اجتماعی زنان خاندان تیموری است که هنرمند نگارگر در نگاره های حک شده بر روی دیوار کاخها و کتب مصور عصر شاهرخ و بایسنقر میرزا و سلطان حسین بایقرا نیز با ظرافت خارق العاده ای بدان پرداخته است و با به تصویر درآوردن سیمای خاتونان در مجالس درباری و گاه تفرجگاه های سرسبز در حال تفریح و گاه در میان کاخ های سلطنتی چنان آن را نقش کرده اند که گویی زنده و جاندار است.

پژوهش حاضر سعی بر آن دارد که با بررسی منابع بر جای مانده هنری و تاریخی به اهداف این مقاله، شناخت جایگاه اجتماعی و سیاسی و ویژگی های پوششی بانوان درباری دوره تیموری بپردازد تا در نتیجه آن به پاسخ این پرسش دست یابد که آیا موقعیت و جایگاه اجتماعی زنان درباری در نقاشی

های دیوار کاخ‌ها و کتب مصور به خوبی به تصویرکشیده شده‌اند؟ با بررسی‌های انجام گرفته پژوهشی درباره بررسی جایگاه اجتماعی زنان درباری بر اساس نگاره‌ها تاکنون صورت نگرفته است و این مهم ضرورت پرداختن به این مقاله را مشخص می‌نماید. تحقیق پیش رو با بهره‌گیری از روش توصیفی و تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و مراجعه به منابع مکتوب و عکس برداری از کتب صورت پذیرفته است.

### پیشینه تحقیق

چنانکه ذکر شد درباره موضوع مقاله پژوهش مستقلی انجام نگرفته است و در تعدادی منابع و کتابهای تالیفی مطالبی اندک و پراکنده وجود دارد که در ادامه تعدادی از این تحقیقات بر اساس سال تالیف معرفی می‌گردد. شیرازی مهاجن (۱۹۹۱/۱۳۶۹) کتاب پوشاک زنان دوره تیموری را با استناد بر چهار دیوان خواجوی کرمانی، شاهنامه، خمسه نظامی، و معراج نامه مورد بررسی قرار داده است. مسلم است که در کتاب یاد شده، مؤلف به صورت تخصصی به موضوع مورد توجه این مقاله نپرداخته و تنها به بیان چند سطر در این زمینه بسنده کرده است.

حجازی (۱۳۷۶) در کتاب در زیر مقنعه به ارزیابی چهره فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زنان از قرن اول هجری تا عصر صفوی (۹۰۸ ه.ق) توجه کرده ولی بیشتر به کلیات پرداخته است. این اثر می‌تواند به محققین تاریخ نگاری زنان ایرانی اطلاعات مفیدی در طول دوره‌های مذکور ارائه دهد و تا حدودی در موضوع این مقاله می‌تواند راهنما باشد.

همبلی (۱۳۷۶/۱۹۹۸) در اثر خود بیست و سه مقاله از نویسندگان مختلف را مورد بررسی قرار داده است هر کدام موضوعات مختلفی از نقش زنان در امور فرهنگی و اجتماعی در دوره‌ها و مکانهای مختلف در اواخر سلسله ساسانی، آسیای میانه و در جامعه اسلامی ایران را مورد پژوهش قرار می‌دهد این تحقیق ارزشی ادبی و جامعه‌شناسانه دارد و در معرفی نقش زنان در امور مذکور برای محققان و پژوهشگران مفید و مثمر ثمر است، ولی فقط در یک مقاله اشاره‌ی مختصر و کلی به نقش فرهنگی زنان در عصر تیموری دارد.

نشأت (۱۳۸۱/۲۰۰۳) در کتاب خود نقش سیاسی-فرهنگی و اقتصادی زنان را در اواخر سلسله ساسانی، دوره سلجوقی، مغولها، تیموری، صفوی در نهادهای مختلف با استفاده از اسناد و متون تاریخی بررسی و جریانات و حوادثی را که به تغییر و تحول در این خصوص گردیده را معرفی کرده است و درباره وضعیت سیاسی زنان دوره تیموری مطالب اندکی دارد و می تواند به عنوان منبعی جهت استفاده در تاریخ نگاری زنان مورد استفاده قرار گیرد.

زرین ایل (۱۳۸۹) در پایان نامه نگارگری، مینیاتور و معرفی هنرمندان این هنر در عصر تیموری به بررسی نگارگری در ایران باستان و ایران دوره اسلامی و سپس به معرفی هنرمندان نگارگری در عصر تیموری می پردازد. این اثر می تواند به محققین دوره تیموری اطلاعات مفیدی به دست دهد و در ارتباط با موضوع این پژوهش مباحثی به صورت کلی و مختصر بیان شده است.

بر اساس آنچه ذکر شد این پژوهش ها از جامعیت لازم برای مقاله نگارنده برخوردار نیستند و هر کدام تنها جنبه هایی از آن را در اختیار محقق قرار می دهند. تفاوت و نوآوری این پژوهش با دیگر تحقیقات انجام شده در آن است که در این پژوهش از صنعت نقاشی به عنوان یکی از منابع تاریخ نگاری که می توان به آن مراجعه نمود استفاده کرده که در تحقیقات دیگر مورد توجه قرار نگرفته است.

### هنر نگارگری و تیموریان

هنر نگارگری در دوره باستان بین مردم ایران و ماوراءالنهر به ویژه در خراسان رواج داشت که پس از ورود اسلام به این نواحی این هنر به همراه هنر کتابت، تذهیب<sup>۱</sup>، تشعیر<sup>۲</sup> و نقاشی گل و برگ مشجر و خطوط اسلیمی هندسی و نوشته کوفی مزین، آمیخته با گل و برگ زیبا بر روی ابنیه رایج شد و در دوره ایلخانان هنر تصویر و تزیین کتابها ترقی کرد و در دربار ایلخانان به محلی مبدل شد که در آن همواره نقاشان چینی و ایغوری و ایرانی به هنر نمایی مشغول بودند (حبیبی، ۱۳۵۵: ۳۰-۱۶).

دردوره تیموری نیز تمرکز تیمورگورکان در هنر و صنعت محدود به شهر سمرقند بود و مهندسان کاردان و معماران ماهر را از تمام مناطق تصرف شده خود در فارس و عراق و آذربایجان وغیره به پایتخت می

۱. راندود کردن و طلا کاری

۲. نوعی تزیین خطی

برد (یزدی، ۱۳۳۶، ج ۲: ۵۷۱). ابن عربشاه منتقد تیمور در این باره می نویسد: «وی در سمرقند سرابستان های بی شمار و کاخ های بلند به ترتیبی شگفت ساخته و بهترین نهال ها در آن نشانند... تیمور در کاخ های خود مجالس را تصویر نموده و صورت خود را خندان و زمانی خشمگین نقش کرده است. میدان کارزار، مجالس محاصره و مصاحبه با پادشاهان و امرا و سادات و علما... وقایع سند و دشت قبیچاق و دیار عجم... صورت فرزندان و نوادگان و فرماندهان و سربازان، مجالس شادکامی... بدون کم و کاست مصور شده است» (ابن عربشاه، ۱۳۸۱: ۳۰۷ و ۳۰۸). و در جشنها و عروسی های شاهزادگان، تیمور سعی در جمع آوری نخبگان رشته های هنری در هر چه با شکوه تر برگزار شدن این جشنها می کرد (کلاویخو، ۱۳۶۶: ۲۵۳).

از این رو، جانشینان تیمور نیز به هنرها به ویژه هنر نقاشی اهمیت می دادند. شاهرخ جانشین تیمور فریفته ادبیات و اشعار فارسی، بنا و سازنده ای بی دریغ و حامی شاعران و صاحبان هنر و صنعت گران نقاشی بود (گروسه، ۱۳۵۳: ۷۵۸) بایسنقر میرزا فرزند شاهرخ از بزرگترین کتاب دوستان جهان محسوب می شود او علاقه مند به ساختن کتب منظوم از جمله: شاهنامه، گلستان و کلیله و دمنه بود. این آثار از نظر کیفیت کاغذ، مرکب و رنگ مایه، یکدستی بین تصویر تذهیب و اجزای فنی بی نظیر و بی همتا هستند (تاگستن، ۱۳۸۴: ۵۰).

بنابراین، به دلیل حمایت حکمرانان تیموری از صنعت و هنرنگارگری یکی از نام آورترین نقاشان دوره تیموری، بهزاد ظهور می کند به گونه ای که وی را پیکره اصلی نقاشی دوره تیموری و بزرگترین نقاش ایرانی-اسلامی معرفی کرده اند (مشکوتی، ۱۳۴۳: ۳۸۲). کار وی نزدیک شدن به طبیعت و زندگی مردم بود او اشخاص را چنان نقش می کرد که گویی زنده و جاندار است (حبیبی، ۱۳۵۵: ۵۲). جامی درباره نقاشی این دوره چنین می سراید:

صد هزاران صورت اندر قالب حسن و جمال ریختند اما ز تو مطبوع تر کم ریختند  
نقشبندان گاه تصویر لب و دندان تو در دهان غنچه تر، عقد شبنم ریختند

(جامی، ۱۳۷۹: ۴۵۳)

### صحنه هایی از جایگاه اجتماعی زنان دربار تیموری

در جوامع قبیله ای، زنان به لحاظ مشارکت در همه امور زندگی موقعیت مناسبی داشته و زن و مرد تا حدودی از حقوق یکسانی برخوردار بودند زنان علاوه بر اداره امور خانواده دراکثرکارهای خارج از چادر، مردان قبیله را همراهی می کردند به همین دلیل پس از شکل گیری حکومت ترک-مغول در ایران زنان توانستند با بهره گیری از قدرت قبیله ای خود در امور حکومتی دخالت نموده و در برابر مردان حکومت، جایگاهی برای خود کسب نمایند. (محمدی، ۱۳۹۸: ۸۵ و ۸۶)

از این رو، جایگاه والای زنان در میان مغولان، ابن بطوطه را به شگفتی و تعجب واداشته است می نویسد: چیزی که در این سرزمین مایه تعجب فراوان او شده، احترامی است که مردان نسبت به زنان خود داشتند: «مقام زن در میان مغول ها خیلی بلند و محترم است» (ابن بطوطه، ۱۳۷۷، ج: ۱، ۳۷۴-۳۷۱). بنابراین، نقش فعال زن ایلپاتی مغولی و اهمیت وی به عنوان پدیده فرهنگی، در میان سایر ملل تابع مغولان راه یافت. هر چند این سنت با توجه به فرهنگ و نظام اجتماعی هر منطقه تا حدودی دچار دگرگونی گردید و نوعی بومی سازی در آن صورت گرفت (بیانی، ۱۳۵۲: ۱۵۸).

از این لحاظ، با توجه به ماهیت ایلپاتی تیموریان و ارتباط نزدیکی که آنها با قبایل مغولی داشتند، موجب تأثیر پذیری از قوانین قبیله ای مغولی گردید. لذا بر طبق عادت و سنت های قبیله ای زنان از آزادی عمل و احترام و نفوذ برخوردار شدند، و زمینه برای دخالت یا تأثیرگذاری در امور مختلف دربار برای آنها فراهم گردید. دریافت اطلاعاتی درباره زندگی زنان خاندان تیموری از برخی منابع تاریخی با تعدادی تصاویر به جا مانده ثبت و یا ذکر شده است که می تواند ما را در شناخت هر چه بیشتر پایگاه زنان درباری رهنمود باشد. پیرامون این مسئله می توان به ادعای ابن عربشاه در کتاب زندگی شگفت آور تیمور، مبنی بر وجود تصاویری دیواری از تیمور و خاتونان در بعضی از کاخهای سمرقند اشاره کرد که صحیح به نظر می رسد هر چند این تصاویر از بین رفته اند (ابن عربشاه، ۱۳۷۳: ۳۰۸).

با این اوصاف، و با توجه به جایگاه والای زنان در میان مغولان و تیموریان، نقاشان دوره تیموری به ثبت تصویری از زنی به نام «آلان قوا» می پردازند که معتقدند نژاد تیمور به این زن می رسد. به نوشته یزدی «آلان قوا» به طور معجزه آسایی از راه نور سه پسرش را باردار شده بود که جایگاه والایی بین

مغولان و تیموریان دارد. این داستان را موازی با داستان حضرت مریم می‌دانند (یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۲۴). تصویر آلان قوا در فهرست نسب شناسی درموزه توپقاپی سرای<sup>۱</sup> ترکیه موجود است. که برگرفته از کتاب جامع التواریخ خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی می‌باشد. این نسب شناسی برای نوه تیمورخلیل سلطان پسر میرانشاه که پس از مرگ پدر بزرگش در سال ۸۰۷ه.ق به قدرت رسید، تهیه شده است. (Hambly, ۱۹۹۸: ۲۱۴). تصویر شماره ۱

تصاویر پراکنده دیگری از زنان سلسله تیموری وجود دارد که یکی از آن تصاویر هم اکنون در گالری فریر<sup>۲</sup> در واشنگتن دی سی موجود است، که تصویر الغ بیگ نوه تیمور به همراهی درباریان و همسرانش در یک دیدار رسمی نقاشی شده است. این تصویر مطابق با توصیفات نوشتاری در منابع از چنین حضور یابی‌هایی در دربار مطابقت دارد. در تصویر، الغ بیگ بر تخت پادشاهی منحصر به فرد و بر روی فرش نشسته، همراهان و درباریان در بالای سمت چپ وی تجمع کرده‌اند. چهار زن با لباس توری‌های سنتی زنان مغول، پوشیده از پر و جواهر بر روی دو فرش در قسمت پایین سمت راست نشسته‌اند. اینان باید جزء چهارده همسر و صیغه (معشوقه) الغ بیگ باشند که در منابع از آنان نام برده شده است (تصویر شماره ۲). البته شناخت دقیق آنها ممکن نیست و این تصویر از پادشاه و همسران او که به ترتیب نشسته‌اند یادآور توصیفات کلاویخو از دیدار تیمور با درباریان در سمرقند است که وی در آن شرکت کرده بود.

تصاویر تیموری با تصاویر مغولی را در کل مشابه می‌دانند زیرا در هر دو تصویر پادشاه و اطرافیان به ویژه همسر اصلی در سمت چپ شاه قرار دارند. در تصویر الغ بیگ مردان و زنان در سمت چپ پادشاه قرار گرفته و شاه به تنهایی نشسته است. هر چند که این تصویر ناتمام و بریده شده است، ولی، به نظر می‌رسد در نیمه راست آن نوشته‌ای بوده است. بی‌دلیو رابینسون می‌گوید این تصویر نیمه گمشده‌ای دارد که در مجموعه کی‌یر<sup>۳</sup> نگهداری می‌شود و هر دو برای متنی گمشده به تصویر کشیده شده‌اند. این تصویر، ورود سفرایی را به دربار الغ بیگ نشان می‌دهد که وسایل زیادی را به همراه

---

1 - Tokapi saray

2 - Freer

3 - Keir

دارند، ظاهراً هدایایی برای تیمور است. حضور زنان در این مواقع که در توصیفات نوشتاری در منابع آمده، در تصاویر موجود می باشد و یک نسخه از ظفرنامه یزدی ذی الحجه ۸۳۹ هـ.ق / ۱۴۳۶ م. نشان دهنده وقایع مربوط به زندگی بی بی خانوم و خانزاده بیگم است که حضور بی بی خانم به عنوان مادرخوانده پسران و نوه های تیمور در تصویر در موزه هنری سیاتل در آمریکا وجود دارد که نشان دهنده سفر او به همراه شاهرخ پسر تیمور و خلیل سلطان پسر میرانشاه به سمرقند و به اردوی نظامی تیمور در شمال غربی ایران است .

با توجه به موقعیت و جایگاه بی بی خانم، این نقاشی زمانی به تصویر کشیده شده است که گروه بی بی خانم، سوارانی از اردوی تیمور را ملاقات می کند که برای خوشآمد گویی به وی آمده اند، احتمال دارد تصویر به منظور نشان دادن سفر کشیده شده باشد. زنان سمت چپ باید بی بی خانم و همراهانش باشند، و مردان سمت راست احتمالاً شاهرخ ده ساله و فرد همراه او هستند. (تصویر شماره ۳) دو واقعه از زندگی خانزاده نیز در همین قسمت به تصویر کشیده شده است. الف) ازدواج او با جهانگیر پسر تیمور. ب) عزاداری برای پسرش محمد سلطان. هر چند تصویر وی در این دو نقاشی موجود نیست . همچنین همبلی در کتاب زنان در نفوذ جهانی، سایه و مذهبیت اسلام قرون وسطی به رایج گزارشی از وجود تصویری که مراسم سوگواری زنان تیموری برای محمد سلطان را در دو صفحه به نمایش گذاشته ، می نویسد: این تصویر افراد مختلفی از دربار تیمور را نشان می دهد که بر گرد تابوت شاهزاده جمع شده اند. تصویر سمت چپ، تیمور و سه زن درباری را نشان می دهد که با گریه وزاری موی خود را کنده اند و در تصویر سمت راست مردانی هستند که با گریه و زاری جامه خود را می درند. این تصویر مربوط به رسمی مغولی برای مراسم تدفین می باشد. (Hambly, ۱۹۹۸: ۲۱۵-۲۱۸)

به نظر می رسد در به تصویر کشیدن چهره زنان، نقاشان یا تجربه ای از نگارگری ایشان نداشته اند و یا اهمیتی برای حضور زن قائل نشده اند با وجود این مسئله در برخی تصاویر چهره زنان با نامشان مشخص می باشد. لذا، ممنوعیتی در نقاشی کردن از چهره آنها وجود نداشته است. از این رو، ثبت وقایع زندگی زنان در تصاویر نسبت به توصیفات نوشتاری بسیار ضعیف می باشد و از سویی دیگر این نقاشیها گویای این مطلب هستند که پرداختن به زندگی روزمره درباریان چه زن و چه مرد یکی دیگر از

۱. تصویری از این مراسم سوگواری در کتاب موجود نبود و با وجود جستجو در سایت موزه توپقایی تصویری ملاحظه نشد.

موضوعات مورد علاقه نقاشان دوره تیموری بوده که در اوایل حکومت تیموری به آن پرداخته شده است. لذا، با بررسی نگاره‌های عصر تیموری در مقایسه با منابع این دوره می‌توان به جایگاه والای زن در نقش آلان قوا و تأثیری که در شکل‌گیری حکومت تیموری به لحاظ سیاسی داشت، پی برد همچنین با به تصویر کشیدن جایگاه خاتونان در مراسم رسمی دربار به نقش زنان به لحاظ سیاسی و نظامی و در امور اندرونی دربار می‌پردازد این مسئله نشان می‌دهد در کنار مردان حکومت جایگاهی برای بانوان درباری تعریف شده است که به دخالت و مشارکت زنان درباری در امور سیاسی اشاره می‌نماید.

### پوشش زنان دربار تیموری در نگارگری

پوشاک و ظاهر هر قومی معرّف فرهنگ خاص آن می‌باشد. بررسی پوشش هر دوره می‌تواند یکی از پارازش‌ترین منابع برای شناخت و درک توده‌های گوناگون قرارگیرد. از این نظر، در مبحث پوشاک، پوشش سر، زیورهای سر و بدن و پاپوش‌های زنان که در دوران حکومت تیموری متداول بود، را مورد بررسی قرار می‌دهیم. سلطه مغولان بر ایران موجب ورود بسیاری از سبک‌های پوشش مخصوص به خاور دور به ویژه سبک چینی گردید. این سبک نه تنها در لباس درباری، بلکه در لباس نظامی نیز تأثیر گذاشت (متین، ۱۳۴۶: ۴۶). با وجود مسلمان شدن مغولان، زنان ترک و مغول برطبق قوانین اسلامی ملزم به رعایت این قوانین بودند، ولی به لحاظ پوشش مانند زنان مسلمان ایرانی رفتار نمی‌کردند و معمولاً با روی باز و بدون نقاب در ملاءعام ظاهر می‌شدند (ابن بطوطه، ۱۳۷۷: ۳۳۰). و زنان دربار تیموری نیز متأثر از دوره قبل از خود یعنی مغولان بودند. در بیشتر مینیاتورهای نسخه‌های خطی دوره تیموری نقاشی‌هایی از چهره‌های زنان و مردان با پوشش‌های گوناگون وجود دارد که نگارگران با الهام از شرایط وجودی، آنها را نقاشی کرده‌اند. به کمک این نقاشی‌ها می‌توان پوشاک و پوشش سر زنان و مردان را همزمان با تاریخ نقاشی مشخص کرد و ویژگی‌های آنها را بیان نمود (اکبری، ۱۳۹۱: ۱۶).

از این رو، براساس نقاشیهای مینیاتوری، پوشاک زنانه دوران تیموریان را در چهار نوع تشریح نموده‌اند. اول: ردای مغولی که نشان‌دهنده اثرات مستقیم خاور دور در فرهنگ عامه دوران تیموریان است.

این ردا آستین کوتاه و بلندی آن تا سر زانو می رسد و حلقه دورگردن آن به شکل عدد هفت می باشد. دوم: بالاپوش یا ردایی که قد آن تا سر زانو است و آستینهای بلندی دارد. حلقه دورگردن آن به شکل عددهفت و یقه کوچکی می باشد. این ردا جلو باز است و از بالا تا پایین با دگمه باز و بسته می شود. سوم: دامن راسته ای که بلندی آن تا مچ پا است و چهارم: بالا پوش یا نیم تنه بلندی که قد آن بالای زانو بوده و آن را روی ردای بلند می پوشیدند. نکته مهم این است که هیچ تغییری نه در روش پوشیدن این بالاپوش و نه در طرح آن در طول چهل سال روی نداده بود(شیرازی مهاجن، ۱۳۶۹: ۱۹۲-۱۹۱). لازم به ذکر است شیرازی مهاجن در مقاله پوشاک زنان دوره تیموری، به نقاشیهای مینیاتوری موجود در دیوانهای خواجهی کرمانی، معراج نامه، شاهنامه و خمسه نظامی اشاره کرده است، که اطلاعات تاریخی مهمی درباره فرهنگ مردمی به ویژه از پوشاک زنانه در دوران تیموریان به دست می دهد (شیرازی مهاجن، ۱۳۶۹: ۱۹۱) ظاهراً این نقاشیها مربوط به زنان غیر درباری می باشد. به طور کلی، لباس زنان دوره تیموری را شامل چندین لایه ردا دانسته اند که این رداها برعکس دوران مغول گشاد نبود بلکه تنگ و بلند بود. پیراهن آستین بلند زنان کل بدن را تا پاها می پوشانید. تن پوشهای رویی آستین کوتاه و گاه این تن پوشها بدون آستین بودند (متین، ۱۳۴۶: ۴۵).

یکی دیگر از ویژگی های پوشاک این دوره را در طرح های متنوع و گوناگون آن می دانند که در یکی از آثار هنرمندانه استاد کمال الدین بهزاد، تصویر چهار زن در یک بوستان ترسیم شده را نشان می دهد که هر یک از آنها سبک خاصی از پوشاک را به تن کرده اند. با دقت بر روی قباها، آنها را به شکل بلند تا نوک پا، بلند تا نزدیکی زانوها و کوتاه تا زیر باسن می بینیم. برخی از آنها جلو باز، برخی جلو بسته و برخی یکسره اند. برخی دیگر آستین بلند و آستین کوتاه و یقه های متنوع دارند و الگوی پیراهن زیرین را تا حدی می توان مشاهده کرد (شیرازی مهاجن، ۱۳۶۹: ۱۹۱). تصویر شماره ۷

از این لحاظ، کلاویخو پوشش بی بی خانم همسر تیمور گورکان را چنین توصیف می نماید: سبک لباس خانم بزرگ زن تیمور این گونه بود: که جامه روی او با ابریشم سرخ زردوزی شده، بسیار گشاد، با دامنی بلند که بر روی زمین کشیده می شد. این لباس بی آستین بود و تنها روزنه ای داشت که سرش را از آن بیرون کرده بود و نیز دو سوراخ که از آنها بازوانش بیرون می آمد، یقه پیراهن تا بالا بسته

بود دامن پیراهن پهن و عریض بود و دنباله آن را ملازمانش می کشیدند تا خانم بزرگ بتواند راه برود، وی بر چهره نقابی نازک و سفید داشت (کلاویخو، ۱۳۴۳: ۲۵۸).




بنابراین، به دلیل بلندی لباس زنان تیموری پوشش پای زنان زیاد مشخص نبود. حجازی درباره نوع کفش آنها می نویسد: کفش ها ساق بلند بود، و طول آن تا بالا می آمد که به آن «خُف» می گفتند (حجازی، ۱۳۷۶: ۲۱۷). هیچ نمونه کفشی، نه در نسخه معراج نامه و نه در نسخه دیوان خواجوی کرمانی دیده نمی شود. در نسخه های خمسه نظامی و شاهنامه تنها یک نمونه دمپایی که نوک آن بسته است را می توان دید. به احتمال زیاد نمونه های دیگری از کفش مورد استفاده زنان در دوران تیموریان وجود داشته است که به علت بلندی بیش از حد پوشاک زنان دیده نمی شود (شیرازی مهاجن، ۱۳۶۹: ۱۹۶). همین مطالب را دادور در مقاله خود تایید کرده، می نویسد: متأسفانه در دوره تیموری همانند دوره ایلخانی برای بررسی پای افزار زنان با کمبود تصویر مواجه هستیم که در بعضی موارد تنها پنجه پا پیداست اما در موارد دیگر که قد پیراهن تا ساق پای زنان است. پای پوش ها قابل رؤیت هستند و در ادامه آورده است، بانوان تیموری در ایران بیشتر از کفش های بدون ساق استفاده می کردند و به نظر می رسد از نظربرش، دورتا دور دهانه کفش، دردو نوع کفش ساده کنگره دار دوخته می شده است تصویر شماره ۶.

۱. واژه «خُف» را به معنای هر آنچه پوشند، موزه، ویا آنقدر که کف پای مردم به زمین رسد، تعریف کرده اند (دهخدا، ۱۳۷۰)

## جدول شماره ۲. تن پوش بانوان در دوره تیموری (مأخذ نگارنده)

ویژگی کلی پوشش	عصر شاهرخ					
تن پوش ها ساده، رنگ بندی تند و تیره، پارچه ها بدون نقش و نگار، تزئینات محدود	ردای بلند، آستین بلند، جلو باز با حاشیه تزئینی		قبای کوتاه با یقه هفت و برگرد جلو بسته، پیراهن بلند		قبای کوتاه جلو باز، بدون یقه آستین کوتاه، پیراهن بلند	

## عصر بایسنقر میرز

تن پوش های چندین لایه کاربرد نقش به صورت زیاد در پارچه ها	ردای بدون یقه، جلو باز، آستین بلند، منقش		قبای بلند و آستین کوتاه به ابرش هشت لبه		پیراهن آستین بلند، یقه هفت باز، حاشیه دوزی یقه	
کاربرد تزئینات الحاقی در تن پوش ها	ردای جلو باز، آستین بلند، حاشیه یقه و مچ دست و پایین لباس زری دوزی		قبا بلند، یقه برگرد خز، آستین با سه برش جداگانه		ردا با آستین بلند و حاشیه یقه با تزئین بندی تک	

## عصر سلطان حسین بایقرا

تعدد لایه ها کمتر، تزئینات و الحاقات حد میانه	قبا با یقه برگرد خز، آستین بلند و حاشیه پوست دوزی		پیراهن بلند و گشاد با آستین های بلند		قبای گشاد با یقه گرد و آستین بلند	
---	---	--	--------------------------------------	--	-----------------------------------	--

برگرفته از مقاله (رضا نژاد یزدی، ۱۳۹۶: ۲۸ و ۲۹)

به طور کلی، با بررسی نگاره ها در دوره ایلخانی و تیموری به این نتیجه رسیده اند که اکثر بانوان، پاپوش های سیاه به همراه جوراب های رنگین می پوشیدند. در خصوص نیم چکمه ها گویا رنگ قهوه ای روشن، بیش از سایر رنگ ها رواج داشته است. زیرا در اکثر تصاویر موجود نیم چکمه ها به این رنگ می باشند و اما چکمه های ساق بلند در رنگ های متنوع نظیر قرمز، سفید، زرد، بنفش نمایان شده است (دادور، ۱۳۸۸: ۳۳-۳۱).

به نوشته مهاجن در تصاویری از دیوان خواجه‌ی کرمانی، چهار نمونه مختلف زیور و پوشش سر دیده می‌شود که شامل: ۱- روسری بلندی که طول آن به اندازه فاصله سر تا زمین است و از پشت سر این روسری بلند به حالت آزاد در روی سر قرار گرفته است و نمونه‌های دیگری از همین روسری با رج‌های مروارید دیده می‌شود. دوم: عرقچین یا کلاهک بلندی که روی روسری پوشیده شده است. سوم: مقنعه که از لحاظ برش و هم از لحاظ طرز پوشیدن آن شباهت بسیاری با مقنعه‌هایی دارد که پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ هـ. ش / ۱۹۷۹ م. در ایران متداول شده است، و در مرکز سر قرار گرفته به طوری که شانه‌ها و سینه را می‌پوشاند. چهارم: تاج سلجوقی.

مهاجن در بررسی سبک دوخت پوشش سر زنان در سه دیوان دیگرچنین می‌نویسد: در معراج‌نامه به کلاهک پردار که شامل دو پر بسیار بزرگ و پرهای کوچکتر در دو پهلو کلاهک و یک تاج مغولی اشاره می‌نماید. در شاهنامه یک نوع پوشش سر که عبارت از روسری کوتاهی در قسمت جلو سینه، با یک تاج سر و رشته‌های مروارید تزئین شده است را توصیف می‌نماید. درخمسه نظامی چهار نمونه پوشش و زیور سر تشریح می‌گردد. نخست روسری کوتاهی که یا به تنهایی و یا با تاج به کار رفته دوم: چادر بلندی که قد آن تا مچ پا است که این چادر را هم از لحاظ برش و هم از لحاظ طرز پوشیدن شباهت به چادرهای امروزی در ایران می‌دانند سوم: تاج سلجوقی و چهارم مقنعه (شیرازی مهاجن، ۱۹۶: ۱۳۶۹-۱۹۴). تصویر شماره ۵

ظاهراً در چهار دیوان مذکور پوشش سر زنانه مربوط به زنان درباری و اشرافی زنان است. زیرا زنان درباری پوشش سر را همراه با تاج و زیورآلات خود داشتند، و جنس روسری و مقنعه آنها با پوشش سر زنان غیر درباری تفاوت داشته و از رنگ‌های متنوعی استفاده می‌کردند. به نظر می‌رسد این شیوه پوشش سر به شکلی ساده‌تر در میان زنان درباری تیموری و غیر درباری مرسوم بوده است.

در دوره تیموری استفاده از روسری و مقنعه رواج داشته و روی روسری‌ها به گونه‌ای بوده که در دو طرف برشی هلالی شکل دوخت می‌شده بعضی اوقات روی این روسری، پیشانی بند پارچه‌ای هم بسته می‌شد. برسر زنان این دوره هم مقنعه دیده می‌شود (شهشانی، ۱۳۷۴: ۸۶). تصویر شماره ۳

زنان درباری و اعیان و اشراف برای هر یک از اعضای بدن خود، زینت خاصی به کار می‌بردند. بر روی سر خود تاج و یا نیم تاج، موبند، سنجاق و پیشانی بند و با آویزه‌های که در دو طرف لچک می‌

آویختند خود را مزین می ساختند. همچنین از گوشواره، گردنبند، دستبند، انگو، انگشتری، کمربندهای تزئینی نیز استفاده می کردند (حجازی، ۳۷۶: ۲۱۷). مهاجن با استناد به تصاویر مینیاتوری به زیورهایی چون: کمربندهای طلایی، آویزه های مروارید و رح های مرواریدی که در تزئین موی سر به کار می رفته است، اشاره می نماید. و در تمام نسخه های خطی این قبیل زینت ها را زیورهای مرسوم در دوران تیموریان می داند (شیرازی مهاجن، ۱۳۶۹: ۱۹۶).

با مطالعه و بررسی در مورد لباس و پوشاک زنان دوران تیموریان و زیورآلات متداول آنها می توان گفت تغییرات و تحولات فرهنگی در دوران تیموریان متأثر از فرهنگ ایرانی-اسلامی بوده است، همچنین به روشنی می توان تأثیرات فرهنگ خاور دور را در بسیاری از پوشاک های زنانه تیموریان مشاهده کرد. از جمله ردهای مغولی و تاج های مغولی که زینت دهنده سر زنان هستند، به فراوانی دیده می شوند. (تصویر شماره ۶).

گروه	اشخاص	تن پوش	طبقه اجتماعی
۱	شاهدختان و همسران شاه	ردا، قبا، پیراهن، پیراهن زیرین، تزئینات تن پوش	طبقه مرفه
۲	زنان حرم	قبا، پیراهن، پیراهن زیرین، تزئینات تن پوش	طبقه مرفه

طبقات اجتماعی بانوان درباری بر اساس نوع تن پوش در نگاره ها

برگرفته از مقاله (رضا نژاد یزدی، ۱۳۹۶: ۲۵)

### موسیقی و زنان دربار تیموری در نگاره ها

منابع تاریخی از ثبت نام زن هایی که مطرب، رقاصه و مغنیه عصر تیموری بودند، خودداری کرده اند. (افضح زاده، ۱۳۷۸: ۹۶) با این حال در تصاویر و نگاره های به جای مانده از دوره تیموریان چهره زنان مطرب تصویر شده است. البته زمینه های اجرای موسیقی علاوه بر برای مردان در دربار بیشتر در اندرونی ها و برای مخاطبان زن بود، و در برخی صحنه های تصاویر، زنان گاهی اوقات در حضور سلاطین و شاهزادگان مرد نیز موسیقی اجرا می کردند، که علاوه بر آوازخوانی به نواختن سازهایی مانند چنگ و دف می پرداختند (اسدی، ۱۳۸۳: ۸۹) تصویر شماره ۹. تنها زن درباری که در عرصه موسیقی

فعالیت داشت، و به نام او اشاره شده است، شادمملک همسر خلیل سلطان پسر امیر تیمور بود که وی را از زنان مطرب معرفی کرده اند به طوری که برای هنر و استعدادش در موسیقی در سراسر هرات همتایی وجود نداشت و شهرتش تا دور دست ها پیچیده بود (فرخ زاد، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۱۰۹).

### نتیجه گیری

به قدرت رسیدن تیموریان به عنوان قوم غالب در ایران و تحت تاثیر فرهنگ ایرانی-اسلامی موقعیت بانوان ایرانی را دچار تغییر و دگرگونی کرد که با توجه به رویکرد فکری حاکمیت سیاسی تیموریان، نسبت به زن و احترام به وی امکان حضور در عرصه های سیاسی و اجتماعی را برای زنان درباری فراهم آورد. از سوی دیگر تغییراتی که در مسایل اجتماعی و فرهنگی رخ داد هنر عصر تیموری را نیز تحت تاثیر خود قرار داد، و در مسیر تکاملی خود سرانجام استقلالی را فراهم ساخت که منعکس کننده روح هنری ایرانی بود. از این رو، این عصر را دوره طلایی هنر نقاشی ایران دانسته اند.

با این اوصاف، نگارگری یکی از منابع مهم در تاریخ نگاری عصر تیموری محسوب می شود که علاوه بر به تصویر درآوردن بانوان درباری، سعی در بیان جایگاه اجتماعی آنها به نحوی شایسته و درخورشان دارد و با ثبت صحنه هایی از زندگی زنان خاندان تیموری در تصاویری بر روی دیوار کاخهای سمرقند و درکتب مصور، موجب شناسایی بهتر زنان تاثیرگذار در سیاست و حکمرانی تیموریان و نقش ایشان در دربار، و معرفی جایگاه اجتماعی زنان درباری گردید، و با ارایه تصویری از پوشش و برخی رسومات درباری، صحنه هایی را از وقایع اجتماعی زندگی زنان خاندان تیموری که تاثیرگذار بر نهاد اجتماعی جامعه بود را به نمایش گذاشتند. همچنین مشاغل موجود، پوشش مردم و درباریان و نحوه حضور مردان و زنان در جامعه رابه تصویرکشیدند، هرچند حضور موثر زنان درباری در این تصاویر بروز چندانی ندارند.

### کتابنامه

آرام، محمد (بی تا). «تحول نقاشی و مینیاتوری سازی در دوره اسلامی»، مجله باستان شناسی، ش ۳ و ۴، صص ۱۵-۲۵.

ابن بطوطه، محمدبن عبدالله (۱۳۷۷). سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمد علی موحد، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

ابن عربشاه (۱۳۸۱). زندگی شگفت آور تیمور، ترجمه محمد علی نجاتی. تهران: علمی و فرهنگی.  
اسدی، هومان (۱۳۸۳). «مطالعه‌ای سازشناختی در رسالات و نگاره‌های موسیقایی تیموری»، فصلنامه موسیقی ماهور، تهران، س ۶، شماره ۲۴.

افضحزاد، اعلاخان (۱۳۷۸). نقد و بررسی آثار و شرح احوال جامی، تهران.

اکبری، تیمور، کاشانی پور (۱۳۸۸). تاریخ هنر نقاشی و مینیاتور در ایران، تهران: سبحان نور.

بیانی، شیرین (۱۳۵۲). زن در ایران عصر مغول، تهران: دانشگاه تهران.

پرایس، کریستین (۱۳۵۳). تاریخ هنر اسلامی، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: امیرکبیر.

تاکستین و دیگران (۱۳۸۴). تیموریان، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.

جامی، نورالدین عبدالرحمن بن احمد (۱۳۴۱). دیوان کامل جامی، تصحیح هاشم رضی، تهران: پیروز.

حبیبی، عبدالحی (۱۳۵۵). هنر عهد تیموریان، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

حجازی، بنفشه (۱۳۷۶)، به زیرمقنعه «بررسی جایگاه زن ایرانی از قرن اول هجری تا عصر صفوی»، تهران: نشر علم.

دادور، ابوالقاسم پور، کاظمی، لایلا (۱۳۸۸). «پای پوش ایرانیان در نگاره‌های دوران ایلخانی، تیموری و صفوی». فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، بهار و تابستان، شماره ۱۰، صص ۲۳-۴۲.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۰). لغت نامه، تهران: بی جا.

دیماند. م. س (۱۳۳۶). راهنمای صنایع اسلامی، ترجمه عبدالله فریار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

رضا نژاد یزدی، الهه؛ شریعت پناهی سید ماهیار (۱۳۹۶). «بررسی جایگاه اجتماعی بانوان با تاکید بر پوشش بانوان در نگاره‌های عصر تیموری». نشریه پژوهش نامه زنان، بهار، س ۸، ش ۱، صص ۱-۳۳.

رهنورد، زهرا (۱۳۸۶). تاریخ هنر دوره اسلامی؛ نگارگری، تهران: سمت.

سودآور، ابوالعلاء (۱۳۹۰). هنرهای دربارهای ایران، ترجمه ناهید محمدشیروانی، تهران: کارنگ.

شهشاهانی، سهیلا (بی تا). تاریخچه پوشش سر در ایران، تهران: مدیر.

شیرازی مهاجن، فائقه (۱۳۶۹/۱۹۹۱). «پوشاک زنان در دوران تیموریان»، بخش مطالعات خاور میانه، دانشگاه تگزاس آستین، صص ۱۹۸-۱۹۱.

فرخ زاد، پوران (۱۳۷۸). دانشنامه زنان فرهنگ ایران و جهان (زن از کتیبه تا تاریخ)، تهران: زریاب.

کلاویخو، روی گنزالو (۱۳۲۷). سفرنامه، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

گروسه، رنه (۱۳۵۳). امپراطوری صحرانوردان، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

متین، پیمان (۱۳۴۶). پوشاک ایرانیان، تهران: پژوهش‌های فرهنگی.

محمدی، لیلا (۱۳۹۸). زنان خاندان عصر تیموری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

مشکوتی، نصرت‌الله (۱۳۴۳). از سلاجقه تا صفویه، تهران: ابن سینا.

نصیری جامی، حسن (۱۳۸۵). «سرآمد پیوند شعر و هنر در عصر تیموری». مجله ادبیات فارسی

دانشگاه آزاد مشهد، پاییز و زمستان، ش ۱۱ و ۱۲، صص ۱۰۵-۹۲.

یزدی، شرف‌الدین علی (۱۳۸۷). ظفرنامه، تصحیح سید سعید میر محمد صادق و عبدالحسین نوائی،

تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

Hambly Gavin R. G (1998). Women in the medieval Islamic world power patronage and piety, London.

Nashat Guity and Lois beck (2003). Women in the rise of Islam to 1800, university of Illinois.



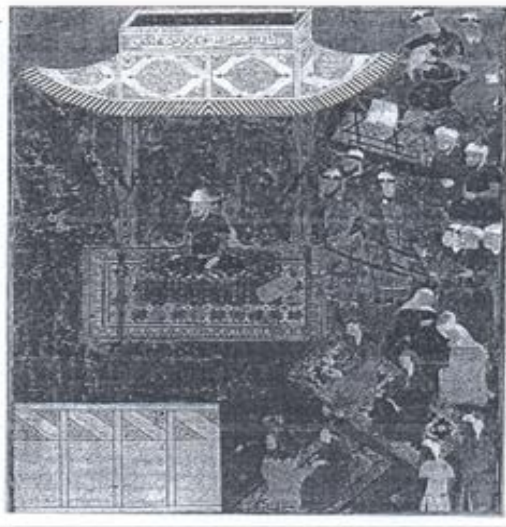
تصویر شماره ۱: آلانقوا بر گرفته از سایت

... Chingiznama



تصویر شماره ۲: چادر نشینی قبایل برگرفته از کتاب،

women in Iran from the rise of Islam to 1800-Guity Nashat and lois Beck :229



تصویر شماره ۳: الغ بیگ و زنان درباری برگرفته از کتاب،

women in the medieval Islamic world: Gavin R.G.Hambly:215



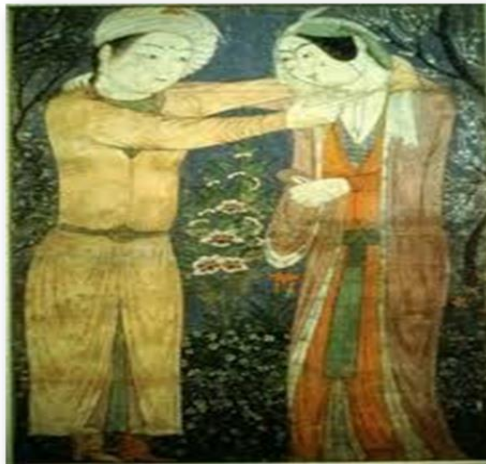
تصویر شماره ۴: بازدید بی بی خانم از اردوگاه برگرفته از کتاب،

women in the medieval Islamic world: Gavin R.G.Hambly:219



تصویر شماره ۵: که نگاره معراج نامه که ورود پیامبر به همراه جبرئیل به بهشت و دیدار با چهار بانوی مقدسه را نشان میدهد برگرفته از کتاب تاریخ هنر در دوره اسلامی: نگارگری نوشته رهنورد

ص ۶۴



تصویر شماره ۶:

پوشش زن تیموری برگرفته از دانشنامه ایرانیکا [www.iranicaonline.org/articles/clothing](http://www.iranicaonline.org/articles/clothing)



تصویر شماره ۷: پوشش زن تیموری برگرفته از دانشنامه ایرانیکا

[www.iranicaonline.org/articles/clothing-ix](http://www.iranicaonline.org/articles/clothing-ix)



تصویر شماره ۸:

۱ تصویر روی جلد از کتاب women in Iran, from the rise of Islam to 1800 است که سبک

پوشش زنان را در تاریخ میانه ایران نشان می دهد.



تصویر شماره ۹: نگاره حرم سرای سلطان حسین بایقرا، دیوان امیر خسرو دهلوی برگرفته از کتاب

هنرهای دربارهای ایران نوشته سود آور ص ۹۰.